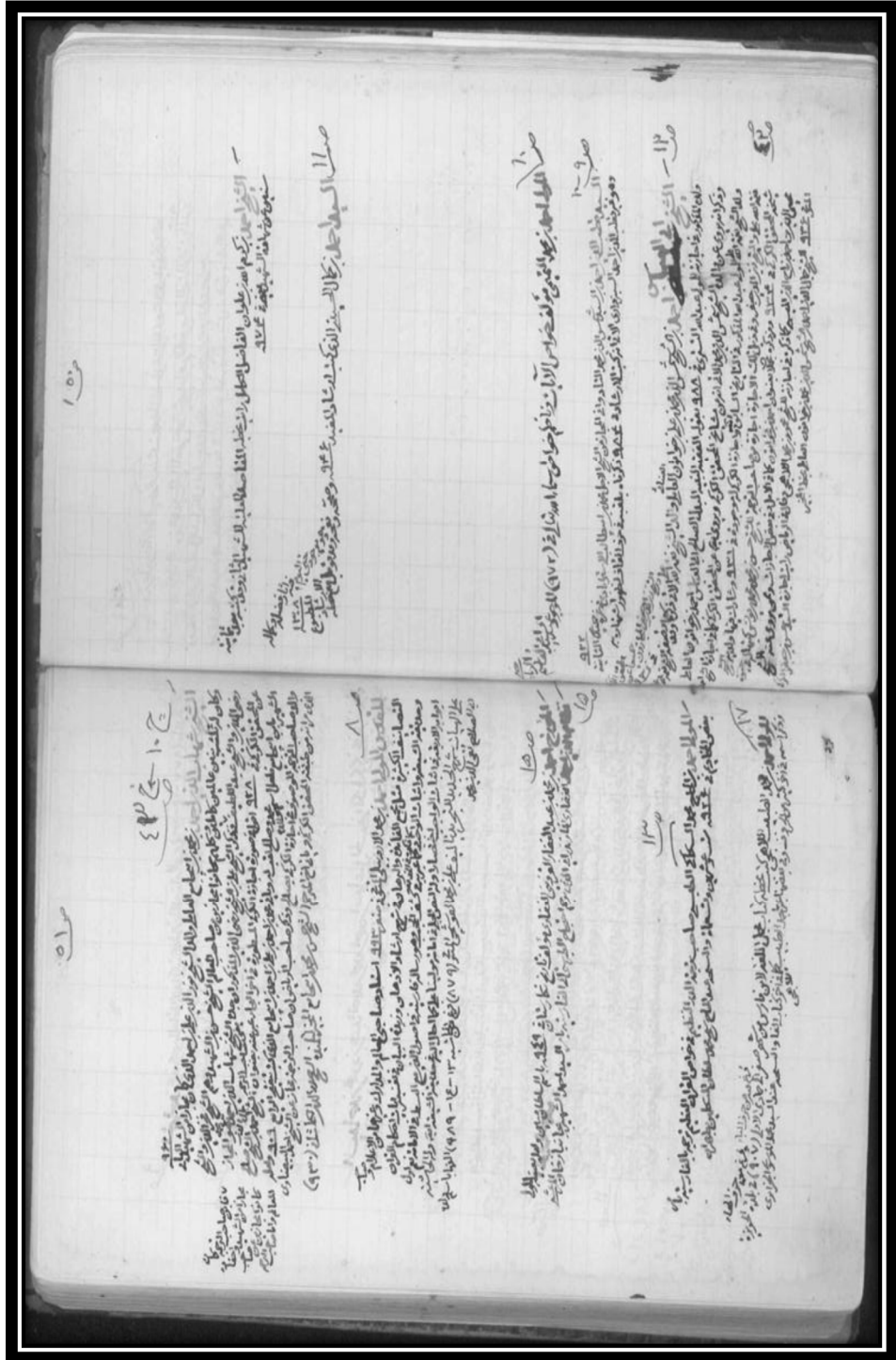


(تصویر شماره ۱۴)





(تصویر شماره ۱۵)



توضیحات مربوط به تصاویر:

۱. آغاز نسخه تهنید الاحکام مجموعه طباطبائی به شماره ۱۱۵۸ موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی. نسخه که زمانی در جبل عامل بوده، در عصر صفویه به اصفهان منتقل شده و کاتبی نیمه نخست کتاب را که ناقص بوده از روی نسخه ای دیگر کتابت کرده و به نسخه ملحق کرده است.

۲. تصویر اخیر، به وضوح تفاوت دو خط و کهنگی دو بخش نسخه را نشان می دهد. بخش کهنه نسخه که در مجلس درس عمیدالدین عبدالمطلب اعرج حسینی، خواهرزاده علامه حلی (متوفی ۷۲۶) بر او خوانده شده، مشحون از حواشی است که باید در ضمن درس توسط ابن اعرج حسینی در توضیح مطالب علامه حلی بیان شده باشد. در هر حال حواشی مذکور که توسط ابن حسام عاملی کتابت شده، نمونه ای ارزشمند از سنت تعلیقه نویسی در مجلس درس استاد است و از جمله تراث ارزشمند باقی مانده از حوزه حله و جبل عامل است.

۳. صفحه انجام نسخه که در آن ابن حسام به کتابت نسخه و قرائت آن نزد ابن عمید تصریح کرده است. در کنار انجامه، عبارت انهایی دیده می شود که از حیث خط و تعبیر با انجامه های شناخته شده از شهید ثانی نزدیکی بسیاری دارد (برای نمونه انهاییات و دست خط شهید ثانی بنگرید به: رسائل الشهید الثانی، ج ۲، ص ۱۱۶۶-۱۱۷۷).

۴. توضیح ملا محمود لاهیجانی در تعلق نسخه به شهید ثانی. محمد بن محمد بن بدرالدین سبط ماردینی (متوفی ۹۰۷) نویسنده رساله فی معرفة الربع است که کتابش در قرن دهم متنی درسی بوده است. در آغاز نسخه یادداشتی این گونه آمده است: «من کتب الشیخ الشهید السعید الشیخ زین الدین قدس الله تعالی روحه و نور فتوحه کتبه العبد الجانی محمود بن محمد اللاهجانی»، که همان شاگرد معروف شهید ثانی است. در معرفی دو کتاب آمده در نسخه اخیر گفته شده که رساله فی معرفة الربع و فتاوی القواعد است.

۵. برگ اول نسخه رساله فی معرفة الربع که حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی آن را کتابت کرده است. دست خط اخیر با دیگر دست خط های شناخته شده از حسین بن عبدالصمد تطابق دارد.

۶. تمام نسخه به خط حسين بن عبدالصمد است و در پايان رساله اول آمده است: «علقها لنفسه فقير رحمة ربه الغنى حسين بن عبدالصمد الجباعى الحارثى الهمدانى... ووقع الفراغ وقت الزوال يوم الجمعة لثلاثة بقيت من رمضان المعظم قدوة سنة ۹۴۳ فى المدرسة الخواجكية الشهابية فى القاهرة المعزية فى ايام الهجرة الميمونة». عبارت اخير اهميت فراوانى دارد و نشانگر آن است كه حسين بن عبدالصمد و به احتمال قوى شهيد ثانى در مدرسه خواجكيه هنگام اقامت در قاهره سكونت داشته اند. شهيد ثانى خود در ضمن شرح حال خود نوشتش كه ابن العودى در ضمن بغية المرید آورده، به تفصيل از استادانش در قاهره سخن گفته اما اشاره‌اى به نام مدرسه‌اى كه در آن سكونت داشته، نكرده است. اطلاع اخير از اين جهت اهميت فراوانى دارد.

۷. دست خط محيى الدين ميسى در پايان رساله‌اى كه وى در مشهد و درباره احكام صداق نگاشته است.

۸. دست خط محيى الدين ميسى در آغاز مقاصد العلية.

۹. انجامة مقاصد العلية به خط محيى الدين ميسى.

۱۰. آغاز كتاب البدائية فى علم الدراية شهيد ثانى به خط محيى الدين ميسى. فرصت مقابله دقيق نسخه حاضر را با متن منتشر شده كتاب (قم، ۱۴۲۳) رانداشتم اما آغاز نسخه با متن چاپى تفاوت‌هاى دارد. به دليل قدمت و اصالت نسخه حاضر شايسته است تا در چاپ‌هاى بعدى، از نسخه حاضر به عنوان اساس تصحيح كتاب مجدداً استفاده شود.

۱۱. برگ پايانى كتاب البدائية فى علم الدراية شهيد ثانى به خط محيى الدين ميسى كه بلاغ مقابله‌اى نيز دارد.

۱۲. برگى از مجموعه جباعى به شماره ۶۰۴ موجود در كتابخانه ملك كه در آن تاريخ درگذشت برخى فقيهان از جمله شيخ محمد شميظارى ذكر شده است.

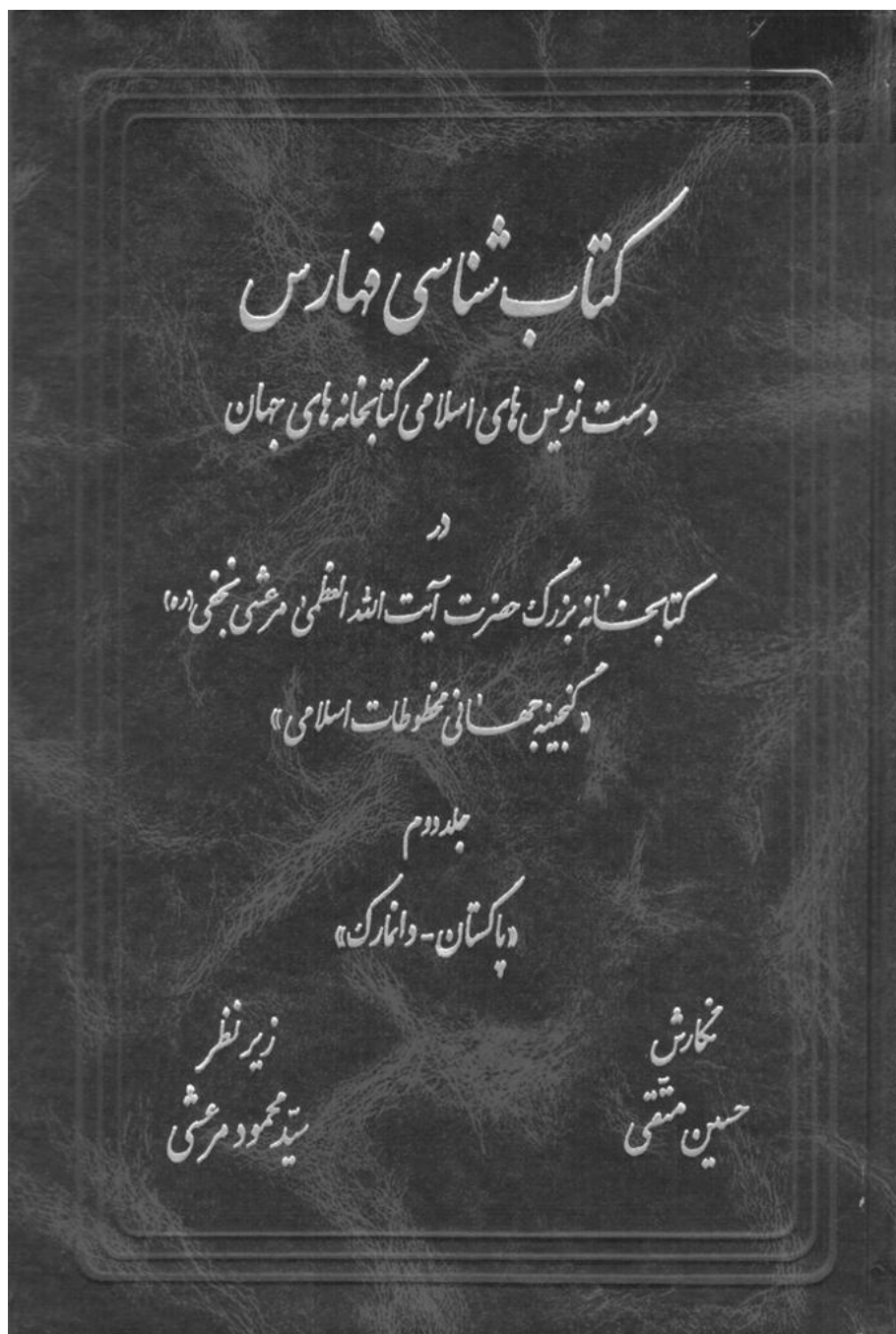
۱۳. برگ ۱۲۰ ب از كتاب نهاية الاحكام با انهاء محمد بن على بن حسام موجود در كتابخانه مجلس به شماره ۹۰۲۸.

۱۴. تصوير برگى از طبقات اعلام الشيعة: الضياء اللامع كه در آن شرح حال شيخ محمد سمسظارى آمده است.

۱۵. تصوير برگى از طبقات اعلام الشيعة: احياء الدائر كه در آن شرح حال مقدس اردبيلى آمده است.



کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی منتشر کرده است



مصباح النجاة في اسرار الصلاة اثر کیست؟

علی اکبر صفری

کتاب مصباح النجاة فی اسرار الصلاة یا با عنوان اصلی «صباح النجاة فی اسرار الصلاة و سرالاستغفار بین النشأتین» در موضوع فلسفه و اسرار عرفانی نماز در سال ۱۲۵۲ ق در اصفهان به نگارش رسیده است.

این اثر در سال ۱۳۵۸ ق به دستور آیت الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری به تصحیح شیخ غلامحسین نوری نجفی تصحیح شده و در ۱۳۳۷ ش / ۱۳۷۸ ق احمد فرومند کتابفروش تهرانی آن را در ۲۹۸ ص وزیری همراه با تذکره المتقین منتشر کرده است. و بار دیگر نیز در سال ۱۳۹۱ ق / ۱۳۵۰ ش تجدید چاپ شده است. در سال ۱۳۹۰ ش انتشارات مسجد مقدس

جمکران مختصری از این کتاب را با عنوان «مختصر مصباح النجاة فی اسرار الصلاة و سرالاستغفار بین السجدهتین» در ۱۸۳ ص وزیری به طبع رسانیده است. در این چاپ افزون بر نسخه چاپ پیشین از نسخه خطی کتابخانه دانشگاه تهران استفاده شده است. در این چاپها مؤلف این کتاب شیخ عبدالحسین تهرانی مشهور به شیخ العراقین (درگذشته ۱۲۸۶ ق) معرفی شده است. در دو نسخه خطی کتابخانه مدرسه نمازی خوی شماره ۵۳۶، و کتابخانه آستان قدس شماره ۱۰۴۱ نام مؤلف عبدالحسین شیخ العراقین ثبت شده است.^۱ در نسخه کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی به شماره ۷۵۷ (فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی

ج ۱۹ ص ۳۸۲-۳۸۳) نام مؤلف شناخته نشده است. در نسخه کتابخانه دانشگاه تهران شماره ۲۸۸۰ (فهرست کتابخانه دانشگاه تهران ج ۱۰ ص ۱۷۲۶-۱۷۲۹) نام مؤلف شیخ حسین همدانی ثبت شده است که اشتباه است. منبع استناد در این فهرست یادداشت آغاز نسخه بوده که به قلم شخصی نا آشنا به تاریخ نوشته شده و در احتمالی این کتاب را به شیخ حسین بن عبدالصمد همدانی (پدر بزرگوار شیخ بهایی) که چند قرن با تالیف این اثر فاصله دارد، نسبت داده است و در فهرست دانشگاه همدانی که نام قبیله مشهوری درین است و به شهرت همدانی تغییر یافته است.^۱

نسبت این تالیف به شیخ العراقین به منابع کتابشناسی و زندگینامه‌ای مانند الذریعه (ج ۲۱ ص ۱۲۲) و فهرست کتب چاپی فارسی (ج ۴ ص ۴۷۷۸) و تراجم الرجال^۲ (ج ۲ ص ۲۵) و فهرست نسخه‌های عکسی مرکز احیاء (ج ۳ ص ۱۳-۱۴) و دایرة المعارف تشیع (۱۰ ص ۱۷۷) و مؤلفین کتب چاپی فارسی (ج ۳ ص ۷۳۹) و نیز راه یافته است.

این کتاب اثر شیخ العراقین نیست. زندگی نامه نویسان در شرح زندگی او به چنین کتابی اشاره نکرده اند و سه کتاب در فقه و رجال برای او بر شمرده اند^۳ هم چنین به شاگردی او در نزد سید شفتی اشاره ای نکرده اند. در نسخه خط مؤلف که در دانشگاه تهران نگهداری می شود، نشان مهر او عبارت «عبد محمد حسین» و «احب الله من احب حسینا» و «لا اله الا الله الملك الحق المبين» است و این با نشان مهر شیخ العراقین همخوانی ندارد و هم چنین خط او نیز خط شیخ العراقین نیست.^۴

مصحح این اثر مرحوم شیخ غلامحسین نوری نجفی، در صفحه ۲۶ در ذیل مطلبی که

۱. این اشتباه به منابع دیگری مانند فهرست کاتبان نسخه‌های خطی کتابخانه دانشگاه تهران (ص ۵۸۸-۵۸۹) راه یافته و مؤلفی به نام شیخ حسین همدانی ساخته شده است و همچنین در موسوعة مؤلفی الامامیه (ج ۱۲ ص ۵۴۲) مدخلی به نام او درست شده است: «حسین الهمدانی؛ عالم دینی کان حیات فی سپاهان سنة ۱۲۵۲...».

۲. در تراجم الرجال علاوه بر مصباح النجاة کتاب مبکی رانیز از شیخ العراقین دانسته و این اشتباه به منابع دیگری مانند گلشن ابرار (ج ۹ ص ۲۲۳) و... راه یافته است.

۳. منابعی مانند: اعیان الشیعه ج ۷ ص ۴۳۸، رجحانة الادب ج ۳ ص ۳۲۹، معارف الرجال ج ۲ ص ۳۴، الفوائد الرضویة ج ۱ ص ۳۸۴-۳۸۵، مکارم الآثار ج ۸ ص ۲۷۷۳-۲۷۷۵، معجم رجال الفکر والادب ص ۲ ص ۸۵۴، تکملة امل الآمل ج ۳ ص ۲۲۸-۲۳۱، مرآة الشرق ج ۱ ص ۶۷۰.

۴. تصویری از خط و مهر او را مرحوم فخرالدین نصیری امینی در پیامبران و خمسه طیبه ج ۲ ص ۱۴۸۷ آورده است.

نویسنده از حجة الاسلام شفتی با عبارت «استادنا و مولانا» یاد کرده، دلیل آورده؛ چون شیخ عبدالحسین شیخ العراقین از شاگردان عالم بزرگ محمد ابراهیم قزوینی بوده و همدرس با تنکابنی؛ صاحب قصص العلماء و از سوی دیگر صاحب قصص العلماء از شاگردان سید شفتی است در نتیجه شاگردی سید شفتی برای شیخ العراقین نیز اثبات شده و این اثر به قلم شیخ عبدالحسین تهرانی است.

نویسنده در مقدمه کتاب از خود با عبارت «يقول عبد مولاة الحسين عليه السلام» یاد نموده است و در (صفحه های ۱۰ و ۲۶) به شاگردی خود نزد سید محمد باقر شفتی (متوفی ۱۲۶۰) اشاره و از او با تعبیر «استادنا» و القاب دیگر ستایش فراوانی کرده است. نویسنده این کتاب در سرودن اشعار فارسی و عربی ید طولائی داشته و برخی از اشعار خود را در این کتاب آورده است.

نویسنده در این کتاب از دو اثر خود نیز نام برده است؛ وی در احوال عبادت حضرت سید الساجدین امام زین العابدین علیه السلام نوشته است:

... و این حقیر نیز در دیباچه کتاب مبکی که در روضه تالیف نموده در وصف سرشک قصیده ای آورده که چند فرد آن مناسب این مقام است. لمؤلفه:

این چه آب است که از دیده برون میآید که به قدر از گهر و لعل فزون میآید کتابی در حوالی این تاریخ در دست است که نام آن «مبکی العیون» و موضوع آن نیز روضه است.^۱ از این کتاب نسخه هایی در کتابخانه آیت الله گلپایگانی به شماره ۱۰۸۶، کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۵۰۰۶ و کتابخانه مدرسه سپهسالار به شماره ۴۴۵^۲ و... نگهداری می شود. نویسنده آن اثر شیخ محمد حسین بن محمد ابراهیم شیرازی گیلانی از شاگردان سید شفتی بوده و این کتاب را در صد و بیست مجلس فراهم آورده است و از خود با عبارت: «ابن محمد ابراهیم الجیلانی محمد حسین شیرازی» نام برده است. ولی این قصیده هجده بیتی (بر اساس نسخه مدرسه

۱. کتاب دیگری نیز با همین عنوان و همین موضوع و در همان روزگار به قلم میرزا محمود قاجار (زنده در ۱۲۷۱ق) تالیف شده است. وی در گلشن محمود (گنجینه بهارستان، رساله گلشن محمود، ص ۲۴۷) نوشته است «... از جمله کتابی قریب به هزار بیت مسمی به مبکی العیون منظوم شد».

۲. فهرستواره دنا ج ۸ ص ۱۲۱۱.

غمازی خوی) در این کتاب نیامده است. با جستجو در آثار شیرازی بدست آمد؛ وی این قصیده که در اصل بیست و پنج بیت است، برای بیماری چشم استادش سید شفتی که ده ماه درمان آن به طول کشیده و پیوسته از آن اشک جاری می شده، سروده است.

متن کامل این قصیده در اثر دیگر شیرازی؛ کتاب اللؤلؤة المتشر (برگ ۶ پ) آمده است. نویسنده مصباح النجاة: چنان که در انجامة نسخه به قلم خود نگاشته در سال ۱۲۵۲ ق در سن سی سالگی در اصفهان قلم زده است و اصل آن را در تاریخ ۱۲۵۰ ق نوشته است. مؤلف در (ص ۱۵۸) چنین نوشته است:

تا کون که سنه ۱۲۵۰ هزار و دو بیست و پنجاه است با تواتر دواعی و اهل انکار
نامتناهی مطلع نشدیم که کسی توانسته اتیان به سوره ای مثل قرآن نموده باشد.
با حساب سی سالگی، سال ولادت مؤلف در ۱۲۲۲ ق است و در (صفحه های ۱۰ و ۲۶) به
شاگردی خود نزد سید محمد باقر شفتی (متوفی ۱۲۶۰) اشاره و از او با تعبیر «استادنا» و القاب
دیگر ستایش فراوانی کرده است. نویسنده این کتاب در سرودن اشعار فارسی و عربی ید
طولائی داشته و برخی از اشعار خود را در این کتاب آورده است. نمونه ای از قصیده مؤلف در
دیباچه کتاب مصباح النجاة چنین است:

حمد ایزد واجب آمد از نخست	صفحه هستی ز زنگ ریب شست
بزم هستی را ز کتم نیستی	از عنایت داد زیب و زیستی
در حقیقت اسم و رسم از من نبود	یا قتم از ظل حق نور وجود
... ما همه و اماندگانیم از وطن	هم چو ماتم دیده بیت الحزن
عقل ما از عالم قدس آمده	روح ما از محفل انس آمده
بس جواهر حضرت یزدان پاک	از کرم آمیخت در این قبضه خاک

وی در تاریخ تحریر مصباح النجاة (سال ۱۲۵۰ ق) بنا داشته این قصیده را در کتاب مبکی نیز بیاورد که به دلایلی نیاورده است ولی متن کامل این قصیده را در اثر دیگر خود؛ کتاب اللؤلؤة المتشر (برگ ۶ پ) ثبت کرده است.

شیرازی در کتاب مبکی در باب «ثواب زیارت سیدالشهداء و وقایع کربلا» تاریخی از حادثه حمله وهابی ها به کربلا معلی در سال ۱۲۱۶ ق و وقایع حمله به کربلا در حوالی سال

۱۲۵۸ به گزارش چاووشها وشاهدان عینی نوشته است:

«باب ثواب زیارت سید الشهداء؛ وقایع کربلا»

«... تا حال چند فتنه وارد شده. آنچه ما را در خاطر است، یکی قتل وهابی است که درسی و پنج سال قبل از این واقع شده، سعود نامی از نواصب خروج نمود و جمعیتی را فراهم آورد. در وقتی که اهل کربلا به نجف اشرف به زیارت غدیر مشرف شده بودند. آن جماعت فرصت غنیمت شمرده بی خبر به کربلا ریختند. قتل و غارت بسیار کردند. چو بها و ضریح مقدسه را شکسته سوزانیدند و قهوه خوردند تا آنکه سید المجتهدین رئیس الدنیا و الدین آقا میر سید علی (اعلی الله مقامه) به هند نامه نوشتند که وجهی به جهت صرف قلعه کربلا فرستادند و محصور نمودند و جمعی از اعراب را از خارج داخل نمودند که ایشان محارست کربلا نمایند.

ایشان راهریک استعدادی به هم رسید، حتی آنکه از وفور مال اشتغال به معاصی نمودند معتمدی نقل کرده، که در خیمه گاه، شیشه شراب بردند. فردای آن روز خود به خود بدون سبب یکباره قحطی عظیمی واقع شد؛ به حدی که استخوان پوسیده و پوست جومی خواستند و میسرنمی شد تا آنکه زنی با شوهر خود طفلی داشتند و از شدت گرسنگی راضی به کشتن طفل خود شدند طفل را از دروازه بیرون آورده به پشت تلّی نشستند. متحیر چون جوع زور آور می شد، راضی به قتل می شدند و چون محبت فرزندى به حرکت می آمد، باز می ماندند تا آنکه مرد گفت: ما هر سه میزیم به از آن است که طفل ما نباشد. پس طفل را گفتند: برو عقب این تل، قدری نان و خرماست، بیاور! چون طفل رفت، مرد سنگی برداشت که از عقب رود و بر سر طفل زند؛ ناگاه طفل آمد و دو گوش بر آهویی را به دو دست گرفته به نزد ایشان آورد، گفتند: این کجا بود؟ گفت: خودش به نزد من آمد. پس مسرور شده به شهر آمدند و کیفیت را به رئیس المجتهدین مرحوم آقا محمد باقر بهبانی عرض داشتند. ایشان فرمودند: چون شدت به منتهی رسید، خالق عالم رحم فرمود، فرج خواهد شد. فردا خود به خود ارزانی خواهد شد و جنس وفور هم رسانید و مدت قحطی پنجاه و دو روز طول کشید.

بعد از آن باز فراوانی و کثرت نعمت به همه رسید؛ باز طغیان نمودند تا بلیه طاعون وارد شد. باز کربلا را خالی کرد. روزی از هزار متجاوز می مردند تا آنکه طبقه تازه در آن ولا به هم رسید باز بعد از مدتی جمعیت شده چون طغیان نمودند، لشکر روم محاصره نمودند و یازده ماه محصور بود و خلق، خون و پنبه دانه می خوردند. تا آنکه میر آخور، که سردار لشکر بود از غیب سیلی

خورد و لشکر خود به خود از کربلا برخواستند.

جمعیت بسیار شد به حدی که خانه ای به قدر قفس به مبلغ خطیر ابتیاع می شد و عمارات عالیه احداث نمودند و جمعی از شاهزاده گان قجر از ایران فرار کرده در آن ارض اقدس ساکن گردیدند و فسق و فجور شایع شده و انواع معاصی فاش به ظهور می رسید. حتی از خدام چیزها بروز کرد تا آنکه جناب سیدالشهدا علیه السلام را در خواب دیده بودند که آن جناب فرموده بودند، آنچه از ایام حال از مجاورین به من می رسد، در روز طف بر من وارد نشد و جمعی از اشرار عرب که ملقب بیارمباز بودند سرکشی نموده از پادشاه یاغی شدند.

پادشاه طاغی لشکرگراف بر سر کربلا کشیده بیست و پنج روز محاصره نمودند از عسکراو جمع بسیار به قتل رسیدند تا آنکه یک سمت کربلا را خراب نمودند. طلوع فجر عسکر به شهر ریخته و قتل و غارت بسیار نمودند.

جمعی از سادات و علما و خلق بسیاری از شیعیان و مجاورین از زن و مرد و طفل را به قتل رسانیده که عدد مقتولین قدر متیقن آن دوازده هزار بود و لیک بیست و پنج هزار نیز نقل کرده اند. و اموال آنچه بود به قدر دو کرو به غارت بردند و زنان بسیاری اسیر و دستگیر نمودند.

آه این قضیه کمتر از روز عاشورا نیست. در حال تحریر، چاووش و زوار کربلا مراجعت نموده و در مسجد جامع بید آباد اصفهان بر منبر شرح واقعه ای جدیده را ایراد نمودند. .. آه این صدمه ایست که مثل آن در اسلام واقع نشده. اگر چه بعضی مستحق سیاست و تأدیب بودند و لیک در میان علما و صلحا و سادات بسیار بودند. و بعضی عجزه و مساکین که آن ها به طفیل اشرار سوختند. بلی عذاب الهی وقتی وارد شود، بی گناه را هم فرو گیرد...

چون عذاب الهی نازل شود، نیک و بد را فرو گیرد حال اینها که به مقام شهادت فایز شدند، منتهی آرزو و رستگاریست. هیچ موتی بهتر از این اتفاق نمی افتد... و لیک عقده ای در دل است؛ حکایت زنان عقیفه از خانواده شیعه است که ایشان را تا شام و حلب بردند و حال قدری گریه بر این شهدای تازه کنیم که هفت صد نفر از علما و سادات علویّه را سر بریدند. مردم به صحن مقدس پناه بردند. عسکر داخل صحن شدند و فشنگ بر ایشان انداختند به



۱. در این متن و برخی منابع مانند زنبیل فرهاد میرزا (ص ۱۴۷) نام این گروه یارمباز آمده است و در بیشتر منابع به یرمباز شهرت دارند نگاه کنید به العبقات العنبرية فی الطبقات الجعفرية، محمد حسین کاشف الغطاء، تحقیق جودت قزوینی (۱۴۱۸ق/۱۹۹۸) ص ۳۰۷.

هر تیری از سی و چهل متجاوز، به خاک می ریخت. چاووش گفت: پنجاه نفر از شیعیان را دیدم
سرو پای برهنه، دست و پای آن‌ها را بسته و به چوب می زدند و به بغداد بردند.
در سر هر کوی، ده نفر را گردن زدند. معلوم نیست که اینها کمتر از عیال آن حضرت باشند،
آخر هر چه بودند، پناه به آن آستان برده بودند...»
از این تاریخ بر می آید کتاب مبکی العیون راسالها پس از تالیف مصباح النجاة، پس از
سال ۱۲۵۸ ق نوشته است.

این نویسنده در باب «فضیلت حسنین علیه السلام» کتاب مبکی العیون به تالیف کتاب اسرار
الصلاة که همان کتاب مصباح النجاة فی اسرار الصلاة و سر الاستغفار بین السجده است،
اشاره دارد:

پس باید انسان پیوسته در مقام توبه باشد از اینکه دارد دنیا، دار توبه است و از اینکه
بین السجده در نماز استغفار می کنند و سر آن را به تفصیل در رساله اسرار الصلاة
ایراد نموده ام.

اثر دیگر مؤلف که به آن (ص ۱۴۱) اشاره کرده، رساله شرح حدیث زینب عطاره است:
این حدیث اگر چه به قواعد هیئت منافی است، چه مهندسین بر کرویت ارض
برهان است ولیکن حقیر در این باب رساله ای نوشته و این دوسلسله را بهم رشته و
آن رساله در رفع تنافی کافی است.

این رساله در مجموعه شماره ۴۴۰۳ در مرکز احیاء میراث اسلامی (فهرست مرکز احیاء ج ۱۰
ص ۵۰۳-۵۰۴) نگهداری می شود. این مجموعه در بردارنده رسائل شیخ محمد حسین بن
محمد ابراهیم شیرازی گیلانی است. و نام اثر یادشده، جنة معطرة مرضیة فیها تحقیق حدیث
زینب العطارة الرضیة است. آغاز این اثر چنین است:

لنذكرها هنا توجیه خطر بالبال لحدیث زینب العطارة حین قرائتنا مطالع الانوار
وحدائق الانوار مصداق ما یقال حاکیا عنه بعض الحال....

این رساله در ۱۸ برگ (۷۶-۹۳ پ) تالیف شده است.

با این آگاهی، بر می آید که محمد حسین شیرازی متولد ۱۲۲۲ ق در شیراز بوده و پس از ده
سال شاگردی در نزد حجة الاسلام شفتی، مدت پنج سال نیز در عتبات عالیات به تحصیل
اشتغال داشته است. وی دارای جایگاه ویژه ای در علوم فقه و معارف اهل بیت علیهم السلام

بوده و سید شفتی در اجازه اجتهادی که در پایان نسخه اجوبه مسائل الهند آمده- او را چنین ستوده است:

الجناب العالم العامل الكامل صاحب الفصائل والفواضل الراسخ في فنون العلوم بعناية الملك القويم ولدى الموثيد وسندی المسدد الشيخ محمد حسين الشيرازي النجفي وقد فرد على جملة من الزمان وصنف في اصناف العلوم ما وضع بيان فهو بحمد الله من عمدة العلماء الراشدين وأفضل الأئمة المعتمدين وممن حصل له ملكة الاجتهاد وقوة الترويج وإرشاد العباد وقد أجزت له أن يروى...

وی بر اساس یادداشتی در انجمنه نسخه اصل مصباح النجاة در سال ۱۲۷۲ در تهران بسر می برده است. و تاریخ ولادت دوتن از فرزندانش را «محمد کریم ۱۲۵۰» و «محمد حسن ۱۲۷۲» در پشت نسخه ثبت کرده است.

جز سه اثر مصباح النجاة و مبکی العیون و شرح حدیث زینب عطارة آثار دیگری نیز از این مؤلف درست است، که عبارتند از:

۱. اجوبه مسائل الهند؛ برخی تاجران شیرازی مقیم هند از سید شفتی سؤالاتی پرسیده اند و ایشان پاسخ آن را به محمد حسین شیرازی امر کرده و او جواب گفته است. موضوع این سؤالات درباره مسائل بیع، وکالت، صلح، شراکت و غیر فقهی مانند نبوت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است.

۲. تفسیر دو آیه «من کل شیء خلقنا زوجین اثنين» و آیه «ومن کل الثمرات جعل فیها زوجین اثنين» (برگ ۶۷-۶۹ پ) این اثر نیز در پاسخ به سید شفتی نوشته است.

۳. خطبه توحیدیه. آغاز: «من الخطب التي أنشأتها في التوحيد أيام العزلة عن الناس و الرياضة هذه الحمد لله الذي ضلّت طوامع العقول في مهمه ملكه وكبرائه...» (برگ ۴۳-۴۶ پ)

۴. تحقیق درباره تفسیر کلمه مآرب در آیه (قال هی عصای اتوکا علیها واهش بها علی غنمی ولی فیها مآرب اخری) (برگ ۹۳-۹۹ پ)

۵. لمعة شارقة نيرة طالعة درباره بحثی در مجلس سید شفتی درباره عبادت شب قدر گرفتن قرآن به دست و گشودن آن و نقدی بر دستور العمل علامه مجلسی در زاد المعاد (برگ ۱۰۱-۱۰۵ پ)



۶. رساله ای کوتاه درباره استخاره با قرآن و اقتباس از مفهوم آیه اول در برگ اول (برگ ۱۰۶-۱۱۳ پ)
- نسخه ای از این آثار همراه با شرح حدیث زینب عطاره در مجموعه رسائل شیخ محمد حسین شیرازی موجود در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی به شماره ۴۴۰۳ (فهرست مرکز احیاء ج ۱۰ ص ۵۰۳-۵۰۴) معرفی شده است. در پایان این مجموعه اجازه روایت سید شفتی به نویسنده به تاریخ غره ربیع الاول ۱۲۵۷ نیز موجود است. تصویر این اجازه در فهرست مرکز احیاء ج ۱۰ ص ۵۰۵ منتشر شده است.
۷. فهرست مطالع الانوار؛ فهرستی جامع برای جلد چهارم مطالع الانوار سید شفتی که نسخه ای از آن به شماره ۱۱۸۴۶ در کتابخانه آیت الله مرعشی (فهرست کتابخانه مرعشی ج ۳۰ ص ۹۹-۱۰۱) نگهداری می شود.
۸. ارجوزه در تحقیق معنی عدالت؛ که ضمیمه نسخه پیشین است و در شصت و هشت بیت به عربی سروده شده است.
۹. اللؤلؤة المنتشر؛ فقه منظوم که از کتاب طهارت آغاز شده و تا باب مطهرات (آب باران) در آن آمده است. نسخه ای از این کتاب در کتابخانه آیت الله مرعشی شماره ۲۱۰۸ (فهرست کتابخانه مرعشی ج ۶ ص ۱۲۱) موجود است. در آغاز این نسخه اجازه اجتهاد سید شفتی به نویسنده به تاریخ ۱۲۵۳ آمده است. تصویر این اجازه در پایان جلد ۶ فهرست مرعشی به طبع رسیده است. وی در آغاز این نسخه فصلی از زندگی خود را قلم زده است.
۱۰. کتابی درباره مسئله بیمه. مؤلف آن را به دستور سید شفتی انجام داده است. مؤلف مسئله بیمه، در آن روزگار را در پاسخ به سوالی در کتاب اجوبه مسائل الهند (برگ ۲ پ) چنین شرح داده است: «هرگاه زید با عمرو شریک زید در هندوستان پای خرید و عمرو در ایران پای فروش زید مبلغ معینی از بابت شراکت حمل جهازها می نماید و در هندوستان اشخاصی چند هستند که تنخواه را بیمه می نمایند به این معنی که ده نیم تنخواه را می گیرند و شرط می کنند که چنانچه تو حمل جهاز کرده ای در عرض راه جکامی از قبیل سرق و غرق و حرق رسید از عهده قیمت تنخواه بر می آیم و چنانکه به سلامت رسید ده نیم مأخوذه از خود من باشد و بعد جکام به تنخواه مشترک برسد و زید قیمت تنخواه...».
- وی در مقدمه کتاب اللؤلؤة المنتشر در بخش زندگینامه خود به تالیف این اثر اشاره کرده است:

...فشددت الرجال وادلجت فى المنازل مع الاستعجال من بلدة شيرازالى اصفهان
 صان الله عن الحدثان حتى وصلت الى جنباه وأقمت بيباه فوجدته ضعف ما يقال
 فيه من المكارم والمجد والكمال فلبثت عنده عشر سنين للتفقه فى الدين فاعترفت من
 منهل كل علم رحيقا واستخرجت من بجره لثالى... وكنت لازال مورد العناية
 مستفيضا بافاضاته ملازما بخدمته مستغرقا بنعمته... فورد عليه ايده الله تعالى فى
 خلال تلك الاحوال من بلاد الهند مسائل بيد سفير عاجل منهما المسئلة المعروفة
 منهم بيمه التى صارت ببلاد الفارس عند التجار معركة عظيمة يستفتون جنباه
 ليجعلون الحجة فيها كتابه وكان به سلّمه الله يومئذ رمد شديد وللّسفير عجلة وحثّ
 أكيد فكان السفير يأتى بعد سفير ولكل منهم صراخ ونفير حتى راقبونى فى جميع
 الأحوال وضيّقوا فى السعى له مجالى فكنت انا على ذلك لا أطيق ورمده من كثرة
 دموعه وقلة هجوعه لايفيق ولقد مدحت دموعه يومئذ بالفارسية:

اين چه اشكى است كه از ديده برون مى آيد يا ثرياىست كه از چرخ برون مى آيد
 ... حتى مضت على ذلك عشرة اشهر والرمد لايقصر فاستأذنته فى الجواب تلك
 المسائل فأمرنى به فكتبها مع الدلائل حتى صارت مسئلة البيمة متصورة على ثمانين
 وأربعمائة صورة فدوّنتها فى كتاب وعرضته على ذلك الجنا ب فبحمد الله اللطيف
 طابق رأيه الشريف... تم سافرت من حضرته وتشرفت فى الارض المقدسة بتقبيل
 الروضات القدسية بالغرى والحاير على مشرفها السلام ومضت هناك خمس سنين
 دايرا ومشتغلا بالعلوم الدين بملازمة نجله الزكى الرشيد السديد وولده الصالح العالم
 السعيد النور التام والنحرير القمقام المسمى بلقب جدّه الماجد جناب سيّد اسدالله
 ايده الله تعالى ثم عدت الى بابه وتشرفت بتقبيل يده وزيارة جنباه فالحمد لله على
 نعمته الجسيم وفضله العميم) (الؤلؤة المنتشر، نسخه كتابخانه آيت الله مرعشى
 شماره ٢١٠٨ برگ ٢٥-٢٦ پ).

